



Scientific-research Quarterly of Political & International Studies of Khatam Al-Nabieen University



Islamic Discourse and Peaceful Coexistence in International Relations

Sayed Liyaqat Ali Mousawi*

Abstract

One of the fundamental issues that plays a key role in the realm of international interactions is the principle of coexistence and living based on tolerance. This principle influences the formation of intellectual systems and human relationships. Given the importance of peaceful coexistence and its pivotal role in human interactions, the question arises: Can peaceful living, based on Islamic thought and worldview, be accepted as a rule and strategy in non-Islamic societies with different intellectual foundations and socio-cultural patterns?

This article, through an analytical study and qualitative method, examines the hypothesis—drawing upon religious principles—that peaceful coexistence holds a foundational place in Islamic thought. Its extension into human and international relations, particularly with non-Muslim communities, with a view toward fostering international cooperation and harmony and laying the groundwork for global unity and order, contributes to the advancement of goals and the attainment of both national and Islamic interests.

Keywords: Peaceful coexistence, Islamic thought, international consensus-building, alliance formation.

* Faculty Member, Faculty of Law and Political Science, Khatam Al-Nabieen University - Ghazni Branch



فصلنامه علمی-تحقیقی مطالعات سیاسی و بین المللی
دانشگاه خاتم النبیین (ص)

سال اول، شماره ی چهارم، زمستان ۱۴۰۳

صفحه ۱۲۴-۱۴۴



گفتمان اسلامی و همزیستی مسالمت آمیز

در روابط بین الملل

سید لیاقت علی موسوی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

تاریخ تایید: ۱۴۰۴/۱/۵

چکیده

یکی از موضوعات بنیادی دارای نقش اساسی در حوزه تعاملات بین الملل، اصل همزیستی و زندگی بر محور مدارا است. این اصل بر شکل گیری منظومه های فکری و روابط انسانی اثرگذار است. با توجه به اهمیت همزیستی مسالمت آمیز و نقش کلیدی آن در تعاملات انسانی، این پرسش مطرح می گردد که آیا بر اساس منظومه فکری و اندیشه اسلامی می توان زندگی مسالمت آمیز را به عنوان یک قاعده و راهبرد در جوامع غیر اسلامی برخوردار از زیرساخت های فکری و الگوهای متفاوت اجتماعی و فرهنگی، پذیرفت؟ این نوشته در قالب یک پژوهش تحلیلی و با استفاده از روش کیفی، این فرضیه را با بهره گیری از بایسته های دینی بررسی می نماید که همزیستی مسالمت آمیز در تفکر اسلامی دارای اصالت بوده و تسری آن در حوزه مناسبات انسانی و بین المللی و عمدتاً غیر مسلمان، با نگاه ایجاد تعاون و وفاق بین المللی و بستر سازی برای الفت و نظم جهانی، موجب پیشبرد اهداف و دستیابی به منافع ملی و اسلامی می شود.

واژه های کلیدی: همزیستی مسالمت آمیز، اندیشه اسلامی، اجماع سازی بین المللی، جبهه سازی.

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خاتم النبیین (ص) - شعبه غزنی.

وقوع تحولات و رخدادهای جدید در عرصه جهانی مانند ظهور و بروز جریان‌های افراطی به‌ظاهر اسلامی و اقدامات تروریستی در نقاط مختلف جهان، موجب شکل‌گیری حجم وسیعی از تصویرسازی‌های منفی علیه مسلمانان گردیده و دین اسلام را به‌عنوان دینی خشونت‌طلب، فاقد منطق و خرد و به‌شدت افراطی و متعصب معرفی نموده است. این تصویرسازی‌های جهت‌دار، چهره‌ای خشن و غیر منعطف از دین را ارائه می‌دهد که گویا تمایلی به برقراری تعامل و ارتباط با ملل دیگر، حتی در میان خود مسلمانان، ندارد. این امر در حالی است که بررسی آیات، روایات و سیره عملی پیشوایان، چهره رحمانیت اسلام را به‌گونه‌ای به نمایش می‌گذارد که بیانگر نگرش جهان‌شمول اسلام به همه انسان‌هاست؛ نگرشی که بر اهمیت برقراری مناسبات مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز و رفتار انسانی تأکید دارد. درواقع، برقراری ارتباطات و دیپلماسی با دولت‌ها و ملل غیر اسلامی را جزء مبانی اخلاقی خویش می‌داند. در این تصویر می‌توان احکام و آموزه‌های مشخص و هدفمندی را در قالب یک نظام ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، هم با اقلیت‌های دینی داخل حکومت اسلامی و هم با سایر ملل، تبیین کرد. برای نمونه، می‌توان آیات زیادی را برشمرد که ناظر به این نظام ارتباطی هستند؛ از جمله می‌توان به آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه اشاره کرد. این آیات به شرح و توضیح راهبرد چگونگی رابطه با غیر مسلمانان پرداخته و حتی مسلمانان را به نیکی کردن با آنان دعوت نموده است:

«خدا شما را از کسانی (کفار) که با شما درباره دین نجنگیده و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکرده‌اند، منع نمی‌کند که به آن‌ها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمایید؛ زیرا خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد» (ممتحنه: ۸).^۱

این رویکرد حاکی از آن است که در طراحی مدل ارتباطی مسلمانان با غیر مسلمانان، اولاً شارع مقدس دستور به نیکی با سایرین داده و قصد نهی مسلمانان از احسان و معامله به عدل با غیر مسلمانانی را که در دین قتال نکرده‌اند یا به آزار و اذیت مسلمین نپرداخته‌اند، ندارد؛ یعنی سیاست خارجی اسلام بر اساس جذب و جلب حداکثری است

^۱ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» [ممتحنه: ۸].



و از هرگونه محدودیت و تنگ‌نظری، گریزان است. طبق برخی تفاسیر، عبارت «أَنْ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» در آیه مبارکه، به معنای این است که بخشی از اموال خود را به آنان بدهید و به ایشان احسان کنید. مفسرین چنین استنباط کرده‌اند که این فعل از «قسط» به معنای بخش و بهره است، نه «قسط» به معنای عدالت و دادگری؛ چراکه عدالت و دادگری نسبت به دوست و دشمن واجب است و لذا، عطف «تُقْسِطُوا» بر «تَبَرَّوْهُمْ» از قبیل عطف خاص بر عام است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۸۵).

ثانیاً، این‌گونه برخورد انسانی با غیر مسلمین به معنای کنار گذاشتن سایر اصول اسلامی (همچون اصل ضرورت جلوگیری از غلبه غیر مسلمین بر مسلمین (قاعده نفی سیل) یا مداهنه با آنان) نیست. توضیح بیشتر اینکه اصطلاح «مداهنه» به معنای گذشتن از اصول برای منافع شخصی و دنیایی بوده که امر ناپسندی است؛ اما «مدارا» به معنای گذشتن از منافع شخصی برای حفظ بهتر اصول و دین بوده که امر بسیار پسندیده‌ای محسوب می‌شود و بنا به تعبیری از پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، نشان‌دهنده وجود ایمان است (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

قرآن کریم خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «ای پیامبر! آن‌ها دوست دارند با آن‌ها نرمش و سازش کنی تا با تو سازش کنند». پاسخ پیامبر (ص) به درخواست آن‌ها، نرمش و مداهنه است.^۱ به هر ترتیب، با بررسی آیات و آموزه‌های دینی در خصوص منظومه فکری ارتباطی دین‌محور، می‌توان چنین استنباط کرد که اسلام در جایگاه یک دین جهان‌شمول، خواستار شکل‌گیری ارتباطات انسانی است. این ارتباطات بدون پی‌ریزی شرایط و زمینه‌های تعاملات و همکاری‌های مسالمت‌آمیز میسر نخواهد شد؛ به‌خصوص که بخش عمده‌ای از جمعیت جهان را غیر مسلمانان تشکیل داده‌اند و در راستای تحقق اهداف والای اسلامی، اقتضای عقلی نیز حکم به برقراری ارتباط برای همه انسان‌ها می‌نماید. در همین چشم‌انداز، یکی از مهم‌ترین راهبردهای ارتباطی در قالب تحقق دیپلماسی اسلامی، تکیه بر برقراری ارتباطات بر محور اصالت فطری دین و ایجاد پذیرش عمومی اسلام در سایه شناخت و معرفی حقیقت دین است؛ به‌طوری‌که وجود ارتباطات مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان، به‌خودی‌خود زمینه تحقق اهداف کلان اسلامی، یعنی دعوت به دین مبین اسلام را فراهم آورد. امام رضا (ع) در خصوص چگونگی گسترش

^۱ _ «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» [القلم/۹]. «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» [کافرون/۶].



معارف اسلامی در بین همه انسان‌ها به تطابق دین با فطرت آدمی و پذیرش تمامی انسان‌ها در سایه شناخت و تعامل می‌فرماید: «اگر مردم زیبایی‌های سخن ما را بدانند، بی‌گمان از ما پیروی می‌کنند»^۱ (شیخ صدوق، بی‌تا: ۱۸۰). به بیان دیگر، برقراری فضای مسالمت‌آمیز، امکان شکل‌دهی بستر اجتماعی مناسبی را فراهم می‌کند که طی آن، شرایط معرفی معارف اصیل دینی فراهم می‌گردد.

۲- چارچوب نظری

مبانی فکری همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام

ماهیت روابط بین‌المللی از منظر اسلامی به‌شدت تحت تأثیر نگرش به انسان (انسان‌شناسی دینی) و ارتباطات انسانی است. این روابط انسانی و به تبع آن، سیاست خارجی در منظومه فکری اسلامی، مبتنی بر مفهوم «انسان فطری» بوده و بر پایه نگرشی واقع‌بینانه نسبت به انسان صورت‌بندی شده است. طبق انسان‌شناسی اسلامی، نفس انسان، آمیزه‌ای از فطرت و غریزه اوست که در ستیز با یکدیگرند. از یک سو، انسان بر اساس فطرت الهی، گرایش‌ات انسانی و معنوی دارد که وی را فارغ از هرگونه جنسیت و ملیتی به‌سوی حقیقت‌جویی، عدالت‌طلبی و نوع‌دوستی سوق می‌دهد و از سوی دیگر، غریز، منشأ گرایش‌ها و تمایلات حیوانی مانند ظلم، خودخواهی و منفعت‌طلبی شخصی هستند که انسان را به وادی خودمحوری می‌کشاند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۴). روابط انسانی از منظر اسلامی بر پایه نگرشی واقع‌بینانه نسبت به انسان شکل می‌گیرد که ترکیبی از فطرت الهی و غریز حیوانی است. انسان در این نگاه می‌تواند مناسبات رفتاری خود با همه انسان‌ها را فارغ از تعلقات دینی، بر محور فطرت و عدالت‌طلبی تنظیم نماید.

افق‌شناسی روابط انسانی اسلامی

در منظومه فکری اسلامی، خصوصاً در حوزه ارتباطات انسانی، اسلام بر اساس دیدگاه واقع‌بینانه و اتخاذ موضعی متفاوت و به دور از تعلقات مذهبی، سرشت و ماهیت انسانی روابط بین‌الملل را تنظیم می‌نماید و این روابط را با یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر (جنگ و صلح) همراه می‌داند. اسلام با بیان برخی صفات مذموم، امکان جنگ برای دستیابی به اهدافی همچون برتری‌جویی، ارضای کسب قدرت و انحصارگرایی را به‌شدت تقبیح نموده و آن را شدیداً محکوم می‌نماید. در همین زمینه، به‌منظور تبیین تفاوت در نگرش

۱ _ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۸۰.

اسلامی با سایر نحله‌های فکری، به‌ویژه مکتب واقع‌گرایی، باید افزود که اسلام از ابتدا معتقد به سرشت بد و خوی جنگ‌طلبی و گرگ‌صفتی برای انسان نیست بلکه از منظر اسلامی، جنگ معلول عدم تعادل رابطه فطرت و غرایز انسانی است که در آن، غرایز بر فطرت چیره می‌گردد (سید قطب، ۱۳۶۸: ۵۲)؛ چراکه ایجاد رابطه منطقی میان غرایز و فطرت، فارغ از تعارض و جدال، به تعادل در رفتار اجتماعی و شکل‌گیری ارتباطات می‌انجامد.

مجموعه گسترده آیات، روایات و آموزه‌های دینی در خصوص کنترل نفس سرکش و در مقابل دعوت به میانه‌روی، تعادل و قناعت طبع، قابل استدلال است. انسان‌ها فطرتاً از جنگ نفرت دارند و به صلح و ثبات علاقه‌مندند؛ اما غریزه برتری‌طلبی و قدرت‌جویی، خواست عمیق فطری را زیر پا نهاده و روابط اجتماعی را به جنگ و خشونت می‌کشاند (برزنونی، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۷).

به هر تقدیر، چنین تعبیری از انسان و روابط انسانی در دیدگاه اسلامی می‌تواند نقطه عزیمت برای شکل‌گیری ارتباطات انسانی در عرصه بین‌المللی معاصر محسوب شود؛ به‌گونه‌ای که مناسبات انسان‌ها باید از حالت آنارشی به نفع تحقق نوعی جامعه بین‌المللی همه‌گیر خارج شده و به‌سوی هویت مشترک انسانی سوق یابد. هویتی که مؤید این معنا باشد که سرنوشت آینده جامعه جهانی به نوع رفتار همگی بازیگران آن مرتبط بوده و آینده انسان‌ها به هم مرتبط است. طبیعتاً بازتاب این‌گونه نگرش جهانی به انسان و مناسبات انسانی، ملی‌گرایی صرف یا بی‌تفاوتی نسبت به سایرین را تعدیل نموده و در مقابل، نوعی حساسیت بین‌المللی را پدید آورده و بازیگران را نسبت به یکدیگر متعهد می‌سازد. البته، غایت این دیدگاه و مقایسه آن با سایر وجوه اندیشه‌های اسلامی در حوزه سرنوشت بشری، بیانگر حرکت در افق اهداف و آرمان‌های اسلامی در جهت نیل به سعادت بشری است. از همین رو، می‌توان به رهیافت‌های معطوف به سعادت بشری (که انسان را نسبت به آینده نظام بین‌الملل حساس می‌سازد) اشاره نمود که طی آن باید برای هدایت دیگران و اصلاح امور اهتمام ورزید (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۲۴).

بر همین مبنا، می‌توان استدلال نمود که اسلام با توجه به رسالت جهانی‌اش در مورد دعوت همگان به سعادت و کمال، همواره برقراری رابطه مسالمت‌آمیز با همه ابناء بشر را دنبال نموده و در روابط خارجی‌اش با جوامع بیگانه، اصل را بر همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۱: ۹۷).

۳- تأکید بر هنجارگرایی مشترک در نظام بین‌الملل

رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل، ماهیتی هنجاری دارد؛ به گونه‌ای که در چارچوب رویکرد اسلامی، امکان شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی جهانی بر اساس باورها، ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت موازین و ارزش‌های انسانی وجود دارد. نکته حائز اهمیت آنکه ارزش‌های سازنده نظم و نظام بین‌الملل اسلامی، جنبه اعتباری و قراردادی نداشته بلکه به دلیل نشئت گرفتن از فطرت انسانی، واقعی و قابل کشف و تبیین است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

به علاوه، در چارچوب رویکرد هنجارگرایی اسلام به امور مختلف (از جمله مناسبات انسانی) می‌توان نتیجه گرفت که اسلام در ترسیم روابط خارجی، دستیابی به صلح و آرامش را هدف و غایت اصلی و جنگ را استثنائی محدود به حالات ضروری و خاص می‌داند؛ به نحوی که اسلام، توجه ویژه به صلح و آرامش در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی داشته و می‌کوشد تا راهکارهایی عینی و منطبق با نیازهای انسانی را برای استقرار آن عرضه کند.

جهان‌وطنی در مقابل تحدیدگرایی

برخلاف نظریات و جریان‌های خردگرایی در روابط بین‌الملل، اسلام انواع مرزبندی‌های جغرافیایی، سیاسی، نژادی و مذهبی را نفی نموده و خود را منحصر به طیف و گروه خاصی ندانسته است. آموزه‌های اسلام بر پایه یک دین جهان‌شمول و فراگیر در دامنه‌ای فرازمانی و فرامکانی معرفی می‌شود که برای هدایت و سعادت تمام انسان‌ها و نجات بشریت آمده است (سرخیل، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۳). بر این اساس، می‌توان یک چارچوب کلان‌نگر از روابط انسانی را مدنظر قرار داد که شامل عناصر زیر است:

۱. ساخت یک نظام جهانی جدید: نظامی که از دولت‌ها فراتر می‌رود و همه سوژه‌های انسانی را در بر می‌گیرد؛
۲. افول منافع فردی و حمایت از منافع انسانی: در مقابل منافع شخصی، منافع جمعی و انسانی در اولویت قرار می‌گیرد؛
۳. گسترش ارزش‌های انسانی: بسط ارزش‌هایی مانند عدالت، صلح و امنیت به همه مردمان جهان؛

۴. شکل‌گیری اجتماع بشری: ایجاد جامعه‌ای جهانی که بر پایه همکاری و تعاون استوار است (سرخیل، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۹).

۴- مبانی و اصول سازنده همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، یکی از اجزاء بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود که در سطوح بسیار گسترده حقوقی و سیاسی، میدان عمل و اثرگذاری دارد. درواقع، این اصل مشتمل بر یک سری اصول و قواعدی است که بر همکاری و ارتباط بین ملت‌ها و مذاهب مختلف استوار بوده و از جنبه‌های گوناگون حقوقی و سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بر اساس تعریف رایج، همزیستی مسالمت‌آمیز عبارت است از نحوه مناسبات بین ممالکی که دولت‌های آن‌ها دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون هستند؛ یعنی رعایت اصول حق حاکمیت، برابری، حقوق مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیه ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله مسائل بین‌المللی از طریق مذاکره (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۲۴۶).

در مطابقت این اصل با دیدگاه اسلامی باید گفت، همزیستی مسالمت‌آمیز، یکی از محورهای اصلی فکری و رفتاری اسلام در حوزه روابط با غیر مسلمانان است که اگرچه به‌طور دقیق و به معنای امروزی چنین اصطلاحی در رفتار سیاسی اسلام نبوده؛ ولی بسیاری از مفاهیم و آموزه‌های اسلامی به انحاء گوناگون با این اصل سنخیت و تلازم دارد؛ به‌گونه‌ای که با کنار هم قرار دادن این مقولات می‌توان به اصل راهبردی و پیش‌برنده همزیستی مسالمت‌آمیز در دیدگاه اسلامی رهنمون گردید. بر این اساس، مهم‌ترین مبانی و زیرساخت‌های تعاملاتی همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام عبارت‌اند از:

۱-۴- ارتباطات انسانی با محوریت کرامت انسانی

هر نوع تلقی که از انسان باشد، متناسب با همان، مناسبات انسانی شکل می‌گیرد. اگر انسان موجودی باکرامت و منزلت و با حرمت ذاتی انگاشته شود، روابط و تعاملات اجتماعی، کرامت‌مدار و حرمت‌محور می‌شود. در نگرش اسلامی به انسان، از تعبیر «اشرف مخلوقات» استفاده شده است که ضمن آن، انسانیت بر محور کرامت و عزت انسانی به‌عنوان یک اصل شناخته شده و به مثابه یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده انسانی شمرده می‌شود. در قرآن کریم، اشارات فراوانی به ارزش و جایگاه انسان و ضرورت حفظ احترام و کرامت شده است. برای نمونه، «ما انسان را گرمی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل



کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم، برتری بخشیدیم» (اسراء: ۷۰).

حضرت علی (ع) در عهدنامه معروف خویش به مالک اشتر (در جایگاه فرماندار حکومت اسلامی)، این اصل مهم در خصوص نگرش فراگیر به همه انسان‌ها را چنین مطرح می‌نماید: «مهربان باش و مردم را با چشمی پرعاطفه و سینه‌ای لبریز از محبت بنگر ... انسان‌ها دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش با تو همانند هستند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بدین ترتیب، ایشان نگاه اسلامی به همه انسان‌ها را بر پایه توجه به کرامت انسانی دانسته و بر وظیفه ذاتی حکومت نسبت به تکریم انسان‌ها سفارش می‌نماید. نتیجه عملی چنین رویکردی به جایگاه انسانی موجب صورت‌بندی روابط بر اساس حفظ حرمت و رفتار محبت‌آمیز شده و مناسبات اجتماعی، چه با مسلمانان و چه در رفتار با غیر مسلمانان، در فضای تکریم و از سر رحمت اصلاح می‌شود و نمی‌توان روابط اجتماعی را در فضای استخفاف و برخورد خشن سامان داد؛ تا جایی که حتی این مسئله، شاخص و معیار اصلی در گفتمان دینی برای آمرزش و رحمت الهی محسوب می‌شود.

۲-۴- برابری در آفرینش و نفی تبعیض

یکی از علل مبنایی مشکلات جامعه بشری و ریشه بسیاری از نزاعات بین‌المللی همچون جنگ‌های جهانی، در مرزبندی میان انسان‌ها و صورت‌بندی انواع دسته‌بندی‌ها و تحدیدات سیاسی، نژادی و مذهبی انسان‌ها نهفته است.

از نظر قرآن کریم، انسان‌ها نسبت به یکدیگر فضیلتی به‌جز تقوا و پرهیزگاری ندارند و مجموعه انسان‌ها، «خانواده بشری» و «امت واحده» را تشکیل می‌دهند. به‌کارگیری تعبیر و خطاب‌های متعدد در ادبیات دینی نسبت به جمیع ابناء بشر همچون «یا بنی آدم» و «یا ایها الانسان»، به این مطلب اشاره دارد که همه انسان‌ها مورد توجه دین جهان‌شمول اسلام بوده‌اند و انسانیت، یک معنای مشترک و واحد برای ابناء بشر است. مبانی اسلامی،

۱ - وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَحْشِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ [اسراء/۷۰].

۲ - وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ؛ [نهج البلاغه / نامه ۵۳].



همه انسان‌ها را فرزند یک پدر و مادر دانسته و طبیعتاً هرگونه تفکر نژادپرستانه، خودبرتربینی و تحقیر ملت‌ها و مذاهب دیگر را طرد می‌نماید:

«ای مردم! همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به هیئت اقوام و قبایلی درآوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید؛ بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست؛ خداوند دانای آگاه است» (حجرات: ۱۳).

همچنین، قرآن کریم در موارد مختلف مانند آیه ۸۱ سوره مائده و آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ سوره بقره، تعصبات برتری‌جویانه و نژادپرستانه اقوام یهود و مسیحی را رد می‌کند و می‌فرماید: «از نظر خداوند، هیچ ملت برگزیده‌ای وجود ندارد و همه با هم برابرند».

۳-۴- ضرورت پذیرش حقوق غیر مسلمانان

اسلام، نه تنها آزادی عقاید غیر مسلمانان را به رسمیت شناخته بلکه حقوق خاصی نیز برای آن‌ها مشخص نموده و از آن‌ها در برابر تعدی و ظلم حمایت کرده است. این حقوق از دو جهت قابل بررسی است:

۱. حقوق اقلیت‌های مذهبی درون جامعه اسلامی: اسلام، حقوق و عدالت اجتماعی کامل را با وضع چارچوب‌های حقوقی (مانند قرارداد ذمه) برای اقلیت‌های غیر مسلمانی که درون جامعه اسلامی قرار داشته‌اند، تأمین نموده است. بر این اساس، اقلیت‌های مذهبی می‌توانند آزادانه در کشور اسلامی زندگی کنند و از حقوق اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی بهره‌مند گردند. البته، مشروط به اینکه مزاحمتی برای اسلام و مسلمانان نداشته باشند و بر ضد آن‌ها کاری صورت ندهند.

۲. حقوق غیر مسلمانان خارج از بلاد اسلامی: اسلام، حقوق غیر مسلمانی را نیز که پیش از این در خارج از بلاد اسلامی بوده و سپس به اشکال گوناگون در ارتباط و مواجهه با مسلمین قرار گرفته‌اند، در قالب‌های حقوقی مشخص و معینی مقرر نموده است. برای مثال می‌توان به قرارداد «استیمان»^۲ یا قرارداد «مهاده»^۳ در نظام حقوقی اسلام اشاره نمود

۱ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ [حجرات/۱۳].

۲ - به معنای درخواست پناهندگی از سوی کافران است و در اصطلاح فقهی به معنای تأمین جانی و مالی کافر از سوی حاکم اسلامی یا مسلمانان است.

۳ - توافق بر ترک مخاصمه و جنگ تا مدتی معین است که بین کافران و مسلمانان واقع می‌شود.



که اسلام برای طرف مقابل که پیش از این حتی در جنگ با مسلمین قرار داشته است، حقوق معینی وضع نموده است که مسلمانان مجاز به تخطی از آن نیستند.

قرآن کریم، نه تنها سیاست کلی اسلام درباره مراعات حقوق ملل و سایر مذاهب بیگانه را بر پایه انصاف و عدل بیان کرده است بلکه طبق آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه، بر نیکی در برخورد با آنان نیز سفارش می‌نماید. این رویکرد، مرتبه‌ای بالاتر از رعایت حقوق آنان محسوب می‌شود.

۴-۴- نفی خشونت

ماهیت اسلام که متکی بر فطرت آدمی قرار گرفته است، پایه و اساس روابط اجتماعی را بر صلح و سلم نهاده و خواستار مدارا میان انسان‌هاست (زارعی، ۱۳۹۴: ۴۹). مطابق آموزه‌ها و تفکر اصیل اسلامی، جان، آبرو و دارایی انسان حرمت خاصی دارد؛ لذا، آزار یا کشتن بدون دلیل سائرین، جزء گناهان نابخشودنی و برابر با کشتن همه مردم دانسته شده است. در مقابل، کسی که نفسی را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است. در تبیین نفی خشونت از سوی اسلام می‌توان به دلایل زیر اشاره نمود:

۱-۴-۴- پذیرش پیشنهاد صلح از جانب بیگانگان

اسلام با هدف ایجاد آرامش، بازسازی و اصلاح جامعه نسبت به عوارض جنگ، راه صلح با غیر مسلمین حربی را گشوده است و ترک ستیز و خصومت را در هر فرصت ممکن توصیه می‌کند: «و اگر به صلح گراییدند، تو نیز به آن بگرا» (انفال: ۶۱).

این موضوع به حدی اهمیت دارد که اگر دشمن مسلمین در جنگ به علت احساس ناتوانی پیشنهاد صلح دهد، در چنین وضعیتی نیز اسلام پذیرش صلح از سوی مسلمانان را در راستای تأمین منافع مسلمین تأیید می‌کند. حضرت علی (ع) ضمن توصیه به قبول صلح، به وجود برخی منافع اشاره نموده که عاید مسلمین می‌شود و می‌فرماید: «از صلحی که دشمن تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی سربازان تو را آسایش رساند و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۱- «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» [انفال/۶۱].

۲- «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلَكِنَّهُ فِيهِ رِضًى فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَةً لِّجُنُودِكَ، وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ، وَأَمْنًا لِّبِلَادِكَ، وَلَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلْحِهِ» [نهج البلاغه/نامه ۵۳].

به دیگر سخن، اسلام با توجه به اصالت صلح و رفع خشونت در جامعه، ادامه جنگ مسلمانان را با کسانی که خواستار صلح شده‌اند، طرد کرده است: «پس هرگاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند و با شما به مخاصمه نپرداختند و پیشنهاد صلح نمودند، در این صورت خدا هم راهی برای شما علیه آن‌ها نگشوده است» (نساء: ۹۰).

۲-۴-۴- پایبندی به تعهدات و عدم پیمان‌شکنی

یکی از اصول تعاملی اسلام در روابط بین‌الملل با سایر دولت‌ها، مبتنی بر پایبندی به معاهدات و قراردادهایی است که با جوامع دیگر منعقد می‌شود و طی آن، مسلمانان ملزم به رعایت آن و دوری از خدعه و نیرنگ بوده و تحت هیچ شرایطی، حق به هم زدن آن را ندارند؛ مگر اینکه طرف مقابل آن را نقض کند. قرآن کریم در آیات فراوانی به این اصل پرداخته است؛ از جمله در آیه ۷ سوره توبه می‌فرماید:

«مگر با آنان که در نزدیکی مسجدالحرام پیمان بستید، تا آنان به پیمان خود وفادارند، شما نیز وفادار باشید؛ همانا خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد»^۱.

در اهمیت حفظ پیمان و نیز تأکید اسلام به اصل دعوت مردم به جای جنگ، همین بس که اگر در میدان جنگ، فردی از دشمن بخواهد از منطق اسلام آگاه شود، باید به او امان داد و پیمان بست تا سخن خدا و منطق قرآن را به‌خوبی بشنود و هرگاه بخواهد به اردوگاه خود بازگردد، باید طبق آیه صریح قرآن، او را با کمال احترام به آنجا بازگرداند: «هرگاه مشرکی امان بخواهد تا سخن خدا را بشنود، به او امان بده تا کلام الهی را گوش کند، آنگاه او را به جایگاه خود بازگردان» (توبه: ۳۶).

۳-۴-۴- تعامل با مخالفان بر پایه اخلاق و عدالت

بررسی آموزه‌ها و تعالیم اسلامی (که سازنده نظام فکری و زیربنای شاکله اندیشه اسلامی محسوب می‌شود) حکایت از آن دارد که اسلام نه تنها به دنبال کنترل صفات و ویژگی‌هایی مانند کینه‌ورزی و انتقام‌جویی در اجتماع است بلکه با تأکید بر سجایای اخلاقی همچون بردباری، کظم غیظ، ایثار و ازخودگذشتگی، به دنبال برقراری صلح و امنیت در مناسبات

۱ - فَإِنْ عَزَلْتُمْ فَلَمْ يَقَاتِلْكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا؛ [نساء/۹۰].

۲ - كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ [توبه/۷].

۳ - وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ؛ [توبه/۶].



میان انسان‌ها است. رفتار معصومین (ع) با غیر مسلمانان، دلیل محکمی بر این نگرش است. برای مثال، اگرچه زمانی که پیامبر (ص) برای دعوت مردم در مکه با انواع آزار و اذیت‌ها مواجه گردید و مسلمانان به مدت سه سال در شعب ابی طالب مورد محاصره و تحریم شدید سیاسی و اقتصادی قرار گرفتند؛ با این حال، در زمان فتح مکه، ایشان فرمان عفو عمومی صادر نموده و فرمود: «اليوم يوم الرحمة؛ امروز روز رحمت و رأفت است، نه انتقام‌جویی». در نتیجه، مسلمانان را به عفو و گذشت فراخواند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

همکاری‌هایی که در سایه همزیستی مسالمت‌آمیز شکل می‌گیرند، امکان دستیابی به اهداف متعالی اسلامی و آرمان‌های اصولی‌تر در روابط جهانی و حتی آینده بشری را میسر می‌سازند؛ زیرا معمولاً برخوردها و همکاری‌های عملی به تضارب فکری و عقلانی می‌انجامد و در خلال همین تلاقی‌های فکری است که اندیشه‌های اصیل اسلامی، امکان رشد و گسترش می‌یابند. تلاقی فکرها، مرحله‌ای از ساخت تفاهم است و بی‌شک، این تلاقی از قدر مشترک‌ها آغاز می‌گردد و به حل مسائل اختلافی می‌انجامد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۵۴).

۴-۵- تکیه بر وجوه مشترک برای تعامل

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تعاملی که از دیرباز در حوزه برقراری روابط انسانی مورد توجه بوده، تکیه بر نقاط مشترک نظیر اشتراکات زبانی، قومی و نظایر آن است. تأکید بر اشتراکات، یک مقدمه طبیعی در برقراری ارتباطات محسوب می‌شود. لذا، زمانی شکل‌گیری تعامل مؤثر مقدور خواهد بود که اشتراکات بتواند پایه اولیه تعاملات بعدی قرار گیرد. قرآن مجید به اشکال گوناگون به مشترکات انسانی همچون همسانی در خلقت اشاره نموده و زمینه‌های برقراری ارتباط و پیوند بین انسان‌ها را مورد توجه قرار داده است. برای نمونه، به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که برای برقراری ارتباط بین‌المللی، اهل کتاب را دعوت به اشتراکات نماید:

«بگو ای اهل کتاب! بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرند» (آل عمران: ۶۴).

۱- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ؛ [آل عمران/۶۴].



نکته بسیار مهم آنکه تأکید بر اشتراکات در این آیه، هم جنبه ایجابی دارد و هم مقدمه‌ای برای شکل‌گیری و گسترش روابط انسانی، فارغ از ایجاد روابط نابرابر است؛ یعنی برخلاف نگرش‌هایی که هدف آن‌ها از تأکید بر اشتراکات قومی، نژادی یا سرزمینی، جنبه سلبی و صورت‌بندی تحدیدات و مرزبندی‌های جدید در برابر سایرین دارد، قرآن اساس و محور روابط بین‌المللی را اشتراک در همبستگی جهانی می‌داند. نکته دیگر اینکه اگر حتی کسانی باورها و اهداف مقدس اسلامی را قبول نداشتند، به معنای جدایی از آن‌ها و عدم تعامل نیست بلکه بر پایه مباحثی که با آن‌ها اشتراکاتی وجود دارد، باید همکاری نمود؛ چراکه این تعامل می‌تواند زمینه‌ای برای جلب و جذب آن‌ها باشد. بر اساس همین راهبرد، خداوند در آیاتی همچون آیه ۴۶ و ۴۸ سوره مائده، ادیان الهی دیگر را به رسمیت شناخته و پیامبران آن‌ها را تکریم و تصدیق می‌کند و به پیروان هر دینی دستور می‌دهد تا به کتاب و آیین خویش عمل کنند.

۴-۶- تقویت تفاهمات در سطح بین‌المللی

پذیرش این باور که همه انسان‌ها بخشی از بشریت هستند، نقطه عزیمت مهمی در شکل‌گیری تفاهمات انسانی است؛ به‌ویژه آنکه اصل تفاهم لزوماً اختصاص به مسائل فکری و ایدئولوژیکی نداشته و هر نوع همکاری و مراوده در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند بستر ساز تفاهمات بعدی شود. این امر در حالی است که ریشه بسیاری از جنگ‌ها و بحران‌های جهانی در طول تاریخ، معطوف به انواع تحدیدات نژادی، قومی و انگاره‌های ساختگی در مورد جوامع انسانی بوده است؛ اما اسلام به استناد آیه: «و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم» (اسراء: ۷۰)^۱، جامعه بشری را به‌صورت مجموعه‌ای واحد می‌نگرد که کرامت الهی و تکریم، شامل جمیع افراد بشر شده است. از همین دریچه، اعتقاد به کرامت و اعتنا به همزیستی مسالمت‌آمیز، امکان برقراری و شکل‌گیری همکاری‌ها و کمک به تحقق تفاهمات در سایه همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌آورد. به‌علاوه، در مقیاس جهانی، هر میزان که توجه به اصول مشترک انسانی بیشتر باشد، شرایط حصول تفاهم بین‌المللی بیشتر شده و در نتیجه، رسیدن به اهداف مشترک بین‌المللی مانند صلح و امنیت جهانی تقویت می‌شود. همچنین، آرمان‌های بشری نظیر تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت، مبارزه با سلطه، نژادپرستی و قطع

۱ - وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ [اسراء/۷۰].

ریشه‌های تجاوز از مصادیق «بر» در گفتمان اسلامی است. این در حالی است که اسلام در شکل‌گیری فضای تفاهم با غیر مسلمانان، حتی موضوعات ارتباطی، عاطفی و روانی را مدنظر داشته است. برای نمونه، در آیات ۶۵ سوره آل عمران، اهل کتاب را از جدال و ستیز نهی نموده و پیروان ادیان را به اصول و اهداف مشترک در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌نماید.^۱ در ضمن، مسلمانان را از دشنام‌گویی در گفت‌وگو با مخالفان دینی بازداشته و دستور می‌دهد تا از حکمت، موعظه و جدال احسن برخوردار باشند و از الفاظ زشت و دشنام بپرهیزند: «به راه پروردگارت با حکمت و اندرز نیکو دعوت کن و با آنان به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره نما».

۴-۷- وجهه‌سازی و تولید اعتبار بین‌المللی برای مسلمانان

تصویرسازی، یک نوع برقراری روایتی است که زمینه‌های لازم جهت ایجاد ارتباط را شکل می‌دهد. بر این اساس، ارائه تصویری صحیح از اسلام، نقش مهمی در شکل‌دهی روابط بین‌المللی دارد. برخورداری از اعتبار بین‌المللی مثبت، با آثار و پیامدهای بسیاری در حوزه گسترش مناسبات بین‌المللی اسلام همراه است و ارائه چهره‌ای واقعی از دولت اسلامی می‌تواند زمینه‌های گسترش تعاملات و همکاری‌ها با سایر کنشگران و افزایش اثرگذاری بین‌المللی را به طرق گوناگون فراهم نماید. درواقع، تصویرسازی، ناظر بر ماهیت و سوبه اجتماعی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است که طی آن، بازیگران اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعریف و شناسایی خود دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۳).

این در حالی است که مؤلفه‌های هنجاری همچون صداقت، عدالت، انصاف، وفای به عهد، اعتماد مردم به یکدیگر و نیز اعتماد به حکومت، ازجمله وجوه کسب اعتبار اجتماعی هستند (غفاری‌فر، ۱۳۹۰: ۲۹۹). در همین راستا، معرفی اسلام بر پایه تبیین چهره رحمانی اسلام، احترام به حقوق و آزادی دیگران، نفی خشونت، تأکید بر مشترکات و آموزه‌های مشترک خلاق، ازجمله عوامل تولید اعتبار و وجهه بین‌المللی بوده که در سایه همزیستی مسالمت‌آمیز، تحقق‌پذیر هستند. همچنین، فضای همزیستی مسالمت‌آمیز،

۱ - يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ [آل عمران/۶۵].

۲ - ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ [النحل/۱۲۵].

امکان ارائه، تبیین و شناسایی عملی اسلام ناب در نزد مخاطبین را فراهم نموده و بدین ترتیب از آثار منفی اقداماتی که به ظاهر توسط جریان‌های دینی رادیکال صورت گرفته؛ ولی در حقیقت با روح اسلام مغایرت دارد، کاسته می‌شود؛ به‌ویژه آنکه اسلام هرگونه جنگ و خشونت را که با هدف ضربه زدن به انسانیت، استثمار و بهره‌کشی از دیگر ملل باشد، طرد می‌کند و ایجاد فساد بر زمین را نامشروع و از مصادیق آشکار ظلم و فساد و موجب خسران برمی‌شمارد: «و هنگامی که روی برمی‌گرداند، در زمین می‌کوشد تا در آن فساد کند و کشت و نسل را نابود سازد و خدا فساد را دوست ندارد» (بقره: ۲۰۵).

۴-۸- تألیف قلوب و گسترش حوزه نفوذ اجتماعی

اسلام، دینی جهان‌شمول بوده و به دنبال سعادت تمام بشریت است. از این منظر، جلب و دعوت انسان‌ها به سوی راه حق، اصالت و موضوعیت دارد. لذا، اسلام از طرق مختلف که مغایرتی با ماهیت تعالیم و آموزه‌های آن نداشته باشد، درصدد جذب انسان‌ها است. برای نمونه، ائمه معصومین (ع) با شیوه‌هایی همچون اهدای اموال درصدد «مؤلفه قلوبهم» و جذب مخالفین و غیر مسلمانان بوده‌اند. به عنوان مثال، روایت معروفی که پیامبر (ص)، غنایم جنگ حنین را با السویه تقسیم نکردند بلکه به برخی از سران قریش مانند ابوسفیان و عینیه که در فتح مکه ایمان آورده بودند، غنایم بیشتری دادند و در ضمن، خطبه‌ای در پاسخ به معترضان فرمودند: «آیا راضی هستید که آنان شتر و گوسفند ببرند و شما پیامبر خدا را همراه خود داشته باشید؟!» (سبحانی، ۱۳۷۰: ۳۷۰). این قاعده بر اساس نگرش جذب حداکثری اسلام بوده و بر همین اسلوب، اسلام اجازه داده است تا برای جذب مردم و حتی دشمنان، به تألیف قلوب پرداخته شود.

۴-۹- تعاون بین‌المللی و سازمان‌دهی شبکه‌های انسانی

در خلال همزیستی مسالمت‌آمیز و ارتباط متقابل میان انسان‌ها، شبکه‌هایی قابل تصور است که افراد کارهایی را از طریق آن‌ها با یکدیگر انجام می‌دهند که به‌تنهایی قدرت آن‌ها وجود ندارد یا به‌دشواری انجام‌پذیر است. در بررسی روابط مسلمین با غیر مسلمین، شکل‌گیری چنین شبکه‌هایی از روابط که بر پایه ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان اعضا و احترام به حقوق متقابل باشد، ضمن گسترش زمینه تبادل اطلاعات و شناخت غیر مسلمانان از مسلمانان، همکاری و تعاون نسبت به یکدیگر را تقویت نموده و شرایط

۱- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ [بقره/۲۰۵].

همزیستی مسالمت‌آمیزی را در قالب مشارکت مدنی، همکاری و تعامل در سایر بخش‌ها فراهم می‌آورد. قرآن کریم در آیه ۲ سوره مائده، مسلمانان را به تعاون و همکاری در نیکی‌ها و پرهیز از مشارکت در هرگونه گناه و تجاوز سفارش می‌کند و تعاون با مردم را به‌منزله امر عقلایی و لازمه همکاری در زندگی اجتماعی تلقی می‌نماید:

«و در نیکی و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی همکاری نکنید» (مائده: ۱۲).

البته، همکاری و تعاون به معنای زیر پا گذاشتن شعائر الهی و نادیده انگاشتن خشنودی خداوند متعال نیست؛ به‌طوری‌که در آیه یادشده، خداوند پیش از توصیه عمومی به تعاون و همکاری با یکدیگر، اهل ایمان را نسبت به هرگونه هتک حرمت شعائر دینی بازمی‌دارد و سپس در آیات بعد، ضمن تبیین برخی مصادیق آن، نظیر خوردن گوشت خوک، بر حرمت این قبیل امور تأکید می‌نماید (مائده: ۲۳).

نکته جالب آنکه خداوند متعال، شرایط همکاری و برقراری ارتباط با غیر مسلمین را در آیات بعدی هموارتر ساخته و در آیه ۵ سوره مائده، ازدواج با اهل کتاب و تناول غذای آن‌ها (غیر از غذاهایی که در دین اسلام حرام شمرده شده) را مجاز می‌داند. این امر نشان‌دهنده پذیرش اصل همکاری و اهمیت تعاون بین‌المللی با سایر ادیان در دیدگاه اسلامی است.^۳

۴-۱۰- اعتمادسازی دینی و شکل‌گیری اتحادهای جدید

یکی از مهم‌ترین اشکال تعاملات در عرصه بین‌المللی، عقد معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی است؛ تا جایی که قراردادهای بین‌المللی از پایه‌های اصلی تحقق روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز میان کشورها محسوب می‌شوند و دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی تلاش

۱- وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ [مائده/۲].

۲- حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالطَّيْحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقُ الْيَوْمِ الْيَسُ الذِّينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ [مائده/۳].

۳- الْيَوْمَ أَحْلَلْتُ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ ۖ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَلٌ لَهُمْ ۖ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۖ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ [مائده/۵].

می‌کنند با عقد پیمان‌های دو یا چندجانبه، موجبات همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم نمایند. پیمان‌ها نوعی اعتمادسازی را در روابط بین کنشگران بین‌المللی خلق می‌کنند تا با تکیه بر آن‌ها، انواع روابط سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی شکل بگیرد. از این منظر، پیمان‌های مولد، یکی از مؤلفه‌های سرمایه جامعه جهانی در حوزه ارتباطات (اعتمادسازی و کسب اعتبار دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر) هستند. کسب اعتبار به مثابه یکی از مقومات مهم در برقراری روابط بازیگران اجتماعی، زمینه اجرای بسیاری از تصمیمات و تعهدات را فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، می‌توان چنین استدلال نمود که وجود اعتماد نیز عاملی برای تقویت قراردادهای شمرده می‌شود؛ یعنی یک رابطه دوطرفه میان پیمان‌ها و اعتماد در گفتمان دینی وجود دارد. توضیح اینکه اگرچه در نظام بین‌الملل معاصر، اصل بر عدم اطمینان به بازیگر طرف مقابل و رسیدن به منافع از هر طریق ممکن است؛ اما باید توجه داشت که یکی از مؤلفه‌های جدید در چارچوب نظریات هنجارگرایی، معطوف به نوع برداشت و ادراک از طرف مقابل در شکل‌گیری و برقراری روابط میان کنشگران با یکدیگر است. با این وصف، وجود اعتماد نسبت به بازیگر مقابل و برداشت مثبت از پایبندی مسلمانان نسبت به تعهد می‌تواند در شکل‌گیری قراردادهای پایدارتر مؤثر باشد. به بیان دیگر، پایبندی به عهد و پیمان (حتی اگر از دریچه الزامات اخلاقی و دینی نگریسته شود) دارای اثرات و اهمیت سیاسی و بین‌المللی در صورت‌بندی پیمان‌ها خواهد بود. قرآن کریم نیز بر پایبندی به عهد و پیمان بین مسلمانان و غیر مسلمانان تأکید کرده و شکستن عهد و پیمان را از گناهان بزرگ شمرده است: «و به عهد خدا وفا کنید هنگامی که پیمان بستید و سوگندها را پس از محکم کردنشان نشکنید» (نحل: ۹۱).

طبیعتاً تأکیدات جدی اسلام بر پایبندی به قراردادهای می‌تواند منشأ ایجاد اعتماد در طرف مقابل باشد. نتیجه آنکه اولاً مطابق گفتمان اسلامی، وفای به عهد، عامل ذهنی پایدارکننده‌ای در تقویت اعتماد بین انسان‌ها بوده و مقوم مناسبات انسانی محسوب می‌گردد. بر این اساس، پیمان‌ها و قراردادهایی که علاوه بر سازوکارهای موجود در قراردادهای، به مؤلفه اعتمادسازی، التزام و پایبندی داشته باشند، از استحکام و ماندگاری بیشتری برخوردار خواهند بود. ثانیاً وفای به عهد در درون فضای همزیستی مسالمت‌آمیز، امکان شکل‌گیری پیمان‌های جدید و قراردادهای بین‌المللی در امور مشترکی مانند

سازمان‌های امداد رسان بین‌المللی را پدید آورده و امکان شکل‌گیری اجتماعات جهانی در عرصه مشترکات انسانی را فراهم می‌سازد (سرخیل، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

۵- نتیجه‌گیری

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز از اجزاء بنیادین نظام بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود و میدان عمل و اثرگذاری بسیار گسترده‌ای در عرصه‌های حقوقی و سیاسی دارد. این اصل بر یک سری اصول و قواعدی مشتمل است که بر همکاری و ارتباط میان ملت‌ها و مذاهب مختلف استوار بوده و از جنبه‌های گوناگون حقوقی و سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بررسی مبانی و اصول اسلامی ناظر بر روابط مسلمانان با غیر مسلمانان، به تطابق، سازگاری و پذیرش اصل راهبردی و پیش‌برنده همزیستی مسالمت‌آمیز در دیدگاه اسلامی صحنه می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین مبانی سازنده اندیشه الهی و به تبع آن، نظام تعاملاتی اسلام، معطوف به نگرش اسلامی به انسان در جایگاه اشرف مخلوقات است که ضمن آن، انسانیت و مناسبات ابناء بشر بر محور کرامت و عزت انسانی بنا می‌گردد. با چنین رویکردی، اسلام نه تنها اصولی همچون برابری در آفرینش، نفی تبعیض، آزادی عقیده و اختیار همه انسان‌ها (از جمله غیر مسلمانان) را مورد پذیرش و تأکید قرار داده بلکه بر اساس نگاهی جهان‌شمول، حقوق خاصی را در قالب‌هایی همچون عقود ذمه، استیمان و مهاده برای اقلیت‌های مذهبی مشخص نموده و از هرگونه تعدی و ظلمی پرهیز داده است. وجود چنین نگاه فراگیری به انسان بالذاته، علاوه بر اینکه بستری را جهت شکل‌گیری همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌سازد، دستاوردهای اجتماعی و سیاسی نظیر جلوگیری از خشونت و نزاع را به همراه دارد.

با وجود این، اسلام با هرگونه خشونت و تعدی از روی ظلم، مخالفت ذاتی داشته و درصدد ایجاد نظامی مبتنی بر ارزش‌های انسانی است. وجود مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعدد دینی همچون تأکیدات اسلام بر پذیرش پیشنهاد صلح، پایبندی به تعهدات با غیر مسلمین و عدم پیمان‌شکنی و همچنین، مجموعه بسیار گسترده دستورات و تعالیم دینی مانند گذشت، ایثار و کظم غیظ جهت کنترل خشونت، دلایل متقنی بر این مدعا هستند. همه این تأکیدات در راستای زندگی بر محور مدارا و سازش بوده و از هر نوع تنش و ایجاد منازعات در عرصه بین‌الملل فاصله می‌گیرند. از این رهگذر، زندگی بر مبنای صلح و سلم در عرصه بین‌المللی را رقم می‌زند و جامعه‌ای امن را به ارمغان می‌آورد. این چیزی است که اسلام آن را با صدای رسا تعقیب می‌نماید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). صلح و امنیت بین الملل؛ رویکرد اسلامی. در مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل. به اهتمام: حسین پوراحمدی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. آقابخش، علی (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۵. برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴). اسلام: اصالت جنگ یا اصالت صلح. مجله حقوقی، مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، شماره ۳۳، صص ۷۳-۱۵۷.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). مبانی فرائظی نظریه اسلامی روابط بین الملل. فصلنامه روابط خارجی، سال ۲، شماره ۶، تابستان، صص ۹۶-۴۹.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰). نظریه اسلامی سیاست خارجی؛ چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ایران. فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۱، بهار، صص ۴۷-۷.
۸. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۳۷). اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی (چاپ سوم).
۹. زارعی، راضیه (۱۳۹۴). ظرفیت های اندیشه سیاسی اسلام در تولید قدرت نرم. سیاست متعالیه، سال ۳، شماره ۹، تابستان، صص ۴۱-۶۴.
۱۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. بی جا: انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۱. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۴). روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). فروغ ابدیت (جلد ۲). قم: دفتر تبلیغات اسلامی (چاپ ۶).
۱۳. سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۱). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام. مجله علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۱۹، پاییز.
۱۴. سید قطب (۱۳۶۸). اسلام و صلح جهانی. ترجمه زین العابدین قربانی و هادی خسروشاهی. بی جا: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. شیخ صدوق، ابو جعفر، محمد بن علی (۱۳۶۱). معانی الاخبار، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۰). مبانی و اصول روابط بین الملل در اسلام. فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره یکم، پاییز، صص ۱۱-۳۸.
۱۷. امید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). مقدمه ای بر حقوق اسلامی تطبیقی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۲، صص ۱۰۷-۸۱.
۱۸. امید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی (جلد ۳): حقوق بین الملل اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۹. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). تبیین آثار اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی سازمان‌یافته. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۰. کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۸۶). همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۱. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی. ترجمه و شرح: جواد مصطفوی. بی‌جا: انتشارات ولی عصر.

